



# معادله سرمایه گذاری خارجی: استقرار ثبات سیاسی + امنیت

گفت و گو با مهندس مصطفی خسروشاهی - رئیس هیأت مدیره انجمن شرکت های مشاور سرمایه گذاری و نظارت بر طرح ها

اشاره:

ایران، همکاری با وزارت کار و امور اجتماعی در زمینه توسعه کار آفرینی و شناخت انجمن به عنوان شرکت مادر تخصصی از سایر اقدامات انجمن مذکور می باشد. جهت آشنایی بیشتر با ابعاد سرمایه گذاری خارجی در ایران و دیدگاه های این انجمن با رئیس هیأت مدیره آن: گفت و گویی انجام دادیم.

مهندس خسروشاهی - رئیس هیأت مدیره انجمن - یکی از مهمترین مسائل مربوط به سرمایه گذاری خارجی را فقدان وجود امنیت در قوانین و مقررات کشور می داند و معتقد است عمر قوانین موجود در کشور کوتاه و زودگذر است و متأسفانه هنوز در شاخص های امنیت سرمایه گذاری های خارجی و حتی داخلی با عدم امنیت مواجه هستیم.

وی سپس به نقش بانک مرکزی در این زمینه اشاره می کند که به دلیل دولتی بودن آن رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته است و همچنین تابع نظرات و دستورات دولت می باشد.

اما مهندس خسروشاهی تمام مسائل موجود در مورد سرمایه گذاری خارجی را مرتبط با دولت نمی داند و عنوان می کند که یکی از مسائل مهم، ایجاد انگیزه در مردم برای توسعه و پیشرفت کشور است. زمانی که مردم متوجه توسعه کشور خود شوند؛ انگیزه آنان جهت کار آفرینی و کارایی افزایش پیدا می کند و این امری است که متأسفانه در ایران کمتر مشاهده می شود.

وی، مهارت نیروی انسانی کشور را اندک و میزان بهره وری آنان را پائین توصیف می کند و اذعان می دارد به همین دلیل مهارت انجام بسیاری از فعالیت ها را یا کسب نکرده ایم و یا محیط انجام آن مساعد نبوده است. لازمه زندگی در دنیای امروز برای نخبگان کشور، داشتن برخی از مهارت های زندگی، بهره مندی از فن بیان آشنایی با زبان های خارجی و ... است. باید کار در فضای امروز را فرا بگیریم در غیر این صورت شاخص های رقابت را از دست می دهیم و وارد کننده نیروی کار ماهر و کارآمد می شویم.

انجمن شرکت های مشاور سرمایه گذاری و نظارت طرح ها در سال ۱۳۸۲ راه اندازی شده است و در حال حاضر با ۴۵ شرکت عضو به فعالیت خود ادامه می دهد.

از مهمترین برنامه های راهبردی این انجمن می توان به مواردی همچون تأمین، حفظ و گسترش حقوق و منافع مشترک اعضا، هماهنگی و همفکری با دولت و دیگر مقام ها و نهادهای کشوری و تشکل های مهندسی در جهت رفع مشکلات و بهبود نظام اجرایی اعطاء تسهیلات در کشور، همکاری برای استقرار نظام منطقی بررسی فنی و اقتصادی طرح ها بویژه در پروژه های صنعتی و معدنی، بررسی و تشخیص صلاحیت و رتبه بندی اعضاء اشاره داشت.

تمام شرکت هایی که به عنوان همراه سیستم مالی و بانکی کشور در زمینه های گوناگون مانند معماری و شهرسازی، حمل و نقل، ترافیک و راه، صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، صنایع فلزی نساجی و شیمیایی، اکتشاف، استخراج و فرآوری مواد معدنی، کشاورزی و دامپروری، آب و فاضلاب، برق و مخابرات، ژئوفیزیک و محیط زیست، خدمات کامپیوتری، مدیریت سیستم و اقتصاد و دیگر زمینه هایی که به عنوان طرح سرمایه گذاری از طرف نهادهای رسمی و سیستم های مالی و بانکی تعریف شده است، فعالیت مشاوره داشته باشند؛ می توانند به عضویت انجمن درآیند.

از اقدامات انجمن می توان به برقراری ارتباط نزدیک با بانک صنعت و معدن و مشارکت در تدوین دستور العمل ها، تعیین صلاحیت و رتبه بندی مشاوران اشاره داشت که در این زمینه با همکاری انجمن، بانک صنعت و معدن حدود ۱۴۰ شرکت مشاور را به رسمیت شناخته و اسامی و رتبه آنها را در کتابچه ۱۰۴ خود درج کرده است هم چنین همکاری و مشارکت با وزارت امور اقتصادی و دارایی در تدوین نظام مشاوران سرمایه گذاری، عضویت انجمن در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

چه شرایطی باید مهیا شود تا سرمایه گذاران خارجی یا ایرانیان مقیم خارج از کشور به سرمایه گذاری در ایران ترغیب شوند؟

بیشترین بخش سرمایه گذاری خارجی منوط به وجود امنیت به خصوص امنیت در قوانین

و مقررات است. به عبارت بهتر نباید عمر قوانین موجود در کشور کوتاه و زودگذر باشد تا سرمایه گذار خارجی برای حضور در ایران تجدیدنظر کند. متأسفانه هنوز در شاخص های امنیت سرمایه گذاری های خارجی و حتی داخلی با عدم امنیت مواجه هستیم.

نرخ تورم ۱۲ درصد اعلام می شود و تمام بخش های دولتی اعلام می کنند که حداقل نرخ تورم ۲۵ درصد است. بر این اساس مدیران شرکت ها و واحدهای تولیدی، صنعتی و اقتصادی نرخ نیروی کار را افزایش می دهند و شاخص هایی که باید ثبات نسبی داشته باشند؛ معلق می شوند و در بسیاری از موارد قطعیتی وجود ندارد. از سوی دیگر، نرخ ارز ثابت باقی می ماند و در این شرایط عدم امنیت برای سرمایه ای که با نرخ ثابت انجام گرفته، به وجود می آید؛ هزینه های تولید افزایش می یابد و مبادلات با یک نرخ انجام می گیرد! در این

صورت شرایط تأمین سرمایه گذاری در ایران از میان می رود.

نکته بعدی در مورد سهولت مبادلات است که امری بسیار مهم می باشد. بخشی از سهولت مبادلات در اختیار نهادهای غیر دولتی است که در صورت استقلال عمل، قادر به حفظ موجودیت خود خواهند بود. یکی از این نهادهای غیر دولتی و بسیار اثرگذار بانک مرکزی می باشد. اگر بانک مرکزی مستقل نبوده و تابع تصمیمات دولت باشد؛ خود به خود تابع مسائل سیاسی خواهد شد و عدم امنیت سرمایه گذاری ها تابع ظهور و سقوط دولت ها می شود.

این موضوع در مورد سایر بانک ها نیز مصداق دارد. در شرایطی که بانک ها ابزار سیاسی دولت ها نباشند هرگز مشمول تحریم های بین المللی نخواهند شد و مبادلات با سهولت بیشتری انجام می گیرد. مشکل ما این است که بانک ها به دلیل ماهیت دولتی، تابع شرایط سیاسی هستند و این امر در سرمایه گذاری خارجی مشکل آفرین است. سقوط هر یک از شعب بانک ایران در خارج از کشور به دلیل تحریم به دلیل دولتی بودن آنها است. در سایر کشورها نیز بانک مرکزی نهاد دولتی نیست. ابزارهای و نهادهای لازم برای خروج از این شرایط وجود دارد. برای مثال اتاق بازرگانی و صنایع و معادن قادر است در این راستا پیشنهادهایی به بانک مرکزی بدهد.

مطلب بعد این که، دلیل تمایل به سرمایه گذاری در کشور چین چیست؟ نیروی انسانی این کشور ارزان و امنیت در آن وجود دارد به همین دلیل بخش قابل توجهی از سرمایه های آمریکا به منظور سرمایه گذاری رهسپار چین می شود. چین دستمزد نیروی انسانی خود را تحت هر شرایطی ثابت نگه می دارد ( البته ممکن است برخی مسائل غیر انسانی در این زمینه به وقوع بپیوندند که موضوع بحث ما نیست) یکی از مسائل مهم، ایجاد انگیزه در مردم برای توسعه و پیشرفت کشور است. زمانی که مردم متوجه توسعه کشور خود شوند؛ انگیزه آنان جهت کارآفرینی و کارایی افزایش پیدا می کند و این امری است که متأسفانه در ایران کمتر مشاهده می شود و با مسأله فرار مغزها مواجه می شویم. اصولاً فرایند فرار مغزها به این دلیل به وجود آمده که ما قادر به شرکت دادن نخبگان خود در جامعه جهانی نیستیم به همین دلیل آنان کار و فعالیت در خارج از کشور را به ماندن در ایران ترجیح می دهند. امروزه حضور در جامعه جهانی به لحاظ اقتصادی یک شعور، وجود و موجودیت است. اگر خارج از جرقه جهانی یک جزیره درست کنیم، قطعاً نمی توانیم ایران را به عنوان بهشت سرمایه و سرمایه گذاری تصور کنیم. در حال حاضر سرمایه های خارجی وارد ایران می شوند اما به آسانی و در

کوتاه ترین زمان آنان را از دست می دهیم. کما این که چنین اتفاقی افتاده است. نکته بعدی این که رغبت سرمایه گذار خارجی در ایران، کوتاه مدت و سودگرایانه است و ضامن سود طرفین نمی باشد. امروزه شاخص های سرمایه گذاری خارجی در ایران سودگرایانه است. به عبارت بهتر فقط چپاول صورت می گیرد و سرمایه گذار خارجی جهت سود رسانی دوجانبه وارد ایران نمی شود. در بسیاری از موارد سرمایه گذاری های انجام شده در میادین نفتی به صورت مشترک است و سرمایه گذار خارجی در ابتدای امر هزینه های خود را بر می دارد و پس از مدتی که از سرمایه گذاری و توسعه میادین نفتی سپری می شود، باید با تلاش مضاعف از آنها پس بگیریم. در حال حاضر علت عدم توفیق خط لوله هند و پاکستان به دلیل وجود نگاه سودگرایانه است. ادعا می کنم این گونه روابط به صورت برنده- برنده نبوده و اکثر سرمایه گذاران خارجی از عدم امنیت سرمایه گذاری در ایران استفاده می کنند. بر اساس یک پیمان به کشور دوست و مسلمان یعنی ترکیه، گاز فروخته ایم و این امر باید تداوم یابد. میان ایران و ترکیه روابط مسالمت آمیزی حکمفرماست به عنوان

مثال برای سفر به این کشور نیازی به ویزا نیست و مرزهای مشترک میان ایران و ترکیه باز است. اما به چه دلیل در صورت کمبود گاز، انتقال آن را به ترکیه قطع کنیم؟! اگر در یک معامله با کشور همسایه این گونه رفتار کنیم؛ سایر کشورها چه رفتاری با ما خواهند داشت؟ همان طور که ترکمنستان هم با افزایش قیمت مبادله گازی اروپا، جریان گاز به ایران را قطع کرد، این نگاه سودگرایانه است و نتیجه آن بروز خشکسالی و از دست دادن آب پشت سد ها بود. مهمترین هیچ ثباتی در روابط ما وجود ندارد در صورتی که اگر ثبات امری حفظ نشود، نمی دانیم در چه موضعی قرار داریم! در حال حاضر سودهای کوتاه مدت را اولویت قرار می دهیم و این همان نگاه سودگرایانه است.

**یعنی شرکت هایی که به سرمایه گذاری می پردازند؛ منافع خود را در نظر**

**می گیرند که این امر طبیعی است ...** بله، گزارشی به دبیر کل بانک مرکزی دادم و عنوان کردم سرمایه گذاری خارجی که تضمین می کنید که اصل و سودش باز می گردد آیا دلار و یورو غیر تقلبی را وارد کرده که شما تضمین کرده اید؛ باز می گردانند؟ اطلاع دارم که یک سرمایه گذار ترکیه در تبریز سرمایه ای به ارزش یک میلیون یورو آورده است اما ۱۱ میلیون یورو اظهار کرده اند! از این سودگاری ضربه می خوریم. ما به هیچ وجه خواهان انجام این نوع سرمایه گذاری نیستیم زیرا بر ضد منافع داخلی و سرمایه ملی است. ایشان با یک میلیون دلار تضمین گرفته و ۱۱ میلیون دلار دارایی های ارزش افزوده کشور را خارج می کند. به همین آسانی! ارزش افزوده ای که متعلق به ایران است؛ فرد دیگری تصاحب کرد.

**بانک مرکزی چگونه به آن مجوز داده است؟**

با کمبود نهادهای ارزیابی و ناظر مواجه هستیم و نیازمند نهادهای ناظر مستقل و ملی می باشیم. در یکی از سمینارهای انجمن اقتصاددانان در مورد فساد مالی بحث به میان آمد. آیا می دانید فساد مالی در بخش خصوصی معنا ندارد

**بانک مرکزی نهادی است که باید فارغ از دولت باشد اما چون بانک مرکزی ایران تحت پوشش دولت قرار دارد، رنگ و بوی سیاسی به خود می گیرد و به دلیل سیاسی بودن هر چهار سال یکبار مدیران آن تغییر می کنند و استقلال عمل و کارایی لازم را ندارند؛ به همین دلیل سرمایه های ملی از دست می رود و مدیران آن مجبور می شود تابع سیاست های دولت و حکومت شوند زیرا فرصتی برای شناسایی ابزارها ندارد و تابع قدرتی می شود که در اختیار دولت است**

و فقط مربوط به دولت است؟ فساد مالی یعنی کلاه برداری از دارایی، ارزش افزوده و سرمایه های یک ملت. یک روز به صورت رشوه انجام می گیرد و روز بعد در قالب کم کاری و بهانه تراشی برای ارتشا معنا پیدا می کند.

**کم اظهاری که ممکن است در صادرات و واردات اتفاق بیفتد و باعث فریب بانک در ارزیابی ها می شود...**

بله اما در سرمایه گذاری هم مصداق دارد. در این صورت سرمایه گذار خارجی به سوداگر خارجی تبدیل می شود. خود اظهاری یک سرمایه گذار خارجی با خود اظهاری سرمایه گذار داخلی بسیار متفاوت است. سرمایه گذار خارجی به دلیل عدم پرداخت سود و عوارش گمرکی، بالا اظهاری می کند و در مقابل سرمایه گذار داخلی به دلیل پرداخت سود و عوارش گمرکی اقدام به کم اظهاری می نماید این دوروش نادرست و با منافع ملی، توسعه

و سرمایه گذاری منافات دارد.  
**پس باید یک نهاد ناظر وجود داشته باشد تا از اظهارنامه های غیر واقعی خارجی ها جلوگیری نماید؟**

بله. ما نمی خواهیم بانک مرکزی و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن را معاف کنیم، اما باید ساز و کار این نهادها اصلاح شود زیرا ساز و کارشان کامل نبوده است و مشاوران که از عوامل نظارت محسوب می شوند غیرمستقل، غیر حرفه ای و ناکارآمد هستند و اکثراً کارمندانی بودند که با رشوه، خریداری می شدند. اما شرکت های ناظر را نمی توان به راحتی خرید. شرکت ها باید در قالب انجمنی خود کنترل قرار بگیرند و انجمن به دلیل ماهیت ملی در سطح کشور نمی تواند خود را منحل کند زمانی که یک سازمان از درون ملت تشکیل شود دیگر تابع دولت نیست بنابراین این پایدار خواهد ماند.

بانک مرکزی نهادی است که باید فارغ از دولت باشد اما چون بانک مرکزی ایران تحت پوشش دولت قرار دارد، رنگ و بوی سیاسی به خود می گیرد و به دلیل سیاسی بودن هر چهار سال یکبار مدیران آن تغییر می کنند و استقلال عمل و کارایی لازم را ندارند؛ به همین دلیل سرمایه های ملی از دست می رود و مدیران آن مجبور می شود تابع سیاست های دولت و حکومت شوند زیرا فرصتی برای شناسایی ابزارها ندارد و تابع قدرتی می شود که در اختیار دولت است بنابراین باید با استفاده از نهادهای تخصصی مانند انجمن، بازوی نظارتی را برای بانک مرکزی به وجود آورد.

برنامه اصلاحات اقتصادی مصوب مجلس شورای اسلامی، ۵ تیر سال ۱۳۸۶ به تصویب رسید وزارت کار و امور اجتماعی و وزارت اقتصادی و امور دارایی به عنوان دستگاه های اجرایی آن تعیین شدند. دستگاه های اجرایی کشور تصمیم بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی دارند که این اصل بر پایه خصوصی سازی و سپردن امور به مردم است. بر اساس این اصل دولت نقش ناظر پیدا خواهد کرد و حداکثر نظارت به بانک ها، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی داده می شود. این وظایف را در کانون مشاوران و اعتبار سرمایه گذاری تعریف کرده ایم. کانون تحت نظارت وزارت اقتصاد قرار دارد و اعضای آن از میان صاحبان صنایع انتخاب می شوند. در واقع کانون در قبال ایجاد یک تکلیف قانونی و فرصت از سوی وزارت اقتصاد توسط صاحبان صنایع راه اندازی شده است.

مجلس شورای اسلامی بر اجرای قانون و قانون بر اجرای اصل ۴۴ و خصوصی سازی نظارت دارد. برای تحقق این اصل باید تشکیلاتی مانند بانکها و بیمه ها خصوصی شوند. پس معاونت

بانک ها، بیمه و شرکت های دولتی مستقر در وزارت اقتصاد منحل خواهد شد. اصل ۴۴ یک میثاق ملی و جنبه سیاسی ندارد و همه باید در تحقق آن تلاش کنند تا اجرا شود.

**آیا تاکنون بررسی جهت شناسایی مزیت های نسبی ایران در حوزه های بالا دستی و پائین دستی تولیدی و بازرگانی انجام شده است و بانک اطلاعاتی آن وجود دارد؟ تشکیل این بانک برعهده دولت است یا بخش خصوصی؟**

مهمترین شاخص داشتن مزیت سرمایه گذاری در ایران، منابع گاز است. زیرا امروز دارای مزیت نسبی در گاز هستیم و گاز بیشترین ارزش افزوده را دارد، قابل ذخیره و انتقال است.

از سوی دیگر در جامعه با سطح گسترده فرار مغزها مواجه هستیم که این امر ضد مزیت برای سرمایه گذاری خارجی محسوب می شود. مطلب بعدی این که متأسفانه نیروی انسانی ما دارای توان و کفایت لازم برای حضور در بسیاری از حوزه ها نیست.

**این امر به سیاست گذاری های دولت بستگی دارد که می خواهد اشتغال را در سرمایه گذاری های خارجی افزایش دهد. برای مثال تأخیر در مراحل اجرای پروژه های عسلیویه، چند ده میلیون دلار خسارت در پی دارد. اما واگذاری برخی پروژه ها به سایر کشورها که می توانند ظرف یک ماه آن را انجام دهند، مشکلی ندارد و به این صورت فرصت های ما از میان نخواهد رفت...**

مهارت نیروی انسانی کشور اندک و میزان بهره‌وری آنان پائین است. طرح و برنامه که زمان، هزینه و انتظار خاصی دارد به نتیجه نمی رسد. به همین دلیل مهارت انجام بسیاری از فعالیت ها را یا کسب نکرده ایم و یا محیط انجام آن مساعد نبوده است. لازمه زندگی در دنیای امروز برای نخبگان کشور، داشتن برخی از مهارت های زندگی، بهره‌مندی از فن بیان آشنایی با زبان های خارجی و... است. باید کار در فضای امروز را فرا بگیریم در غیر این صورت شاخص های رقابت را از دست می دهیم و وارد کننده نیروی کار ماهر و کارآمد می شویم.

**آیا بانک اطلاعاتی در زمینه مزیت نسبی وجود دارد؟**

امروزه با رشد قابل توجه تولید فولاد و سیمان در کشور مواجه هستیم زیرا از ذخایر گاز استفاده می کنند. در هر زمینه سرمایه گذاری با حضور منابع خدادادی گاز به موفقیت دست یافته ایم و هر زمان امور به بخش دولتی واگذار شده با عقب ماندن مواجه شده ایم. چرا وزارت نیرو،

حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان به پیمانکاران خود بدهکار است؟ زیرا یارانه های موجود، دولتی و ضد انگیزه برای تولید برق است و تکلیف تولید کنندگان مشخص نیست. هنوز وزارت نیرو به پیمانکاران که نیروی کار ارزان برایش تهیه کرده

و شهرستان ها منتقل شد و فساد اداری تا حدودی کاهش یافت.

**یکسری قوانین در فضای کسب و کار باز دارنده است. مانند اختلاف نرخ تورم با قیمت ارز. قیمت ارز ثابت است و**

**یکی از شاخص های اندازه گیری میزان موفقیت اقتصاد یک کشور عملکرد مستقل، توانمند و اثر گذارتر بانک مرکزی است و در این صورت اطمینان و امنیت سرمایه گذاری افزایش پیدا می کند. به اعتقاد من مردم باید به درجه ای از رشد برسند که امنیت یکدیگر را تهیه کنند.**

**نرخ تورم روز به روز افزایش می یابد؛ از سوی دیگر سرمایه گذاری در بسیاری از صنایع ایران توجیه چندانی ندارد. برای سرمایه گذاری خارجی در این راستا چه باید کرد؟**

عمده قانون بازدارنده، قوانین مالکیتی است. زمانی مجاز به انجام معامله هستیم که مالک آن باشیم. در ایران با مشکلی به نام "مزیت مالکیت" مواجه هستیم. بورس بازی زمین در اثر قانون مالکیت زمین به وجود آمد؛ این حجم قابل توجه زمین خواری که در ایران اتفاق افتاده بر اثر یک قانون نادرست به وجود آمده است. در صورتی که چنین امری در امارات به وجود نمی آید زیرا قوانین این کشور صحیح است.

نکته بعد این که اگر سرمایه و دارایی های خود مانند نفت را تبدیل سرمایه مولد کنید که آن سرمایه هم خود را حفظ کند، اقدام صحیحی انجام داده اید اما اگر دارایی خود را مجدداً سرمایه گذاری کنید، افزایش دارایی انجام نشده و حتی سرمایه خود را از دست می دهید. این کار دقیقاً در کشور انجام می شود یعنی نفت را استخراج می کنیم و تبدیل به قیمت افزوده زمین شن زار در یزد می کنیم! چه درآمدی از این طریق ایجاد می شود؟ هیچ! متأسفانه قانون مالکیت در ایران پیشرفته نیست.

**آیا پیمان های منطقه ای و همکاری های مشترک با سایر کشورها می تواند روند مثبتی بر روی سرمایه گذاری های خارجی در ایران داشته باشد؟**

صد درصد این گونه خواهد بود. برای مثال پیمان منطقه ای که به منظور انتقال نیروی برق میان کشورهای پاکستان، ایران و ترکیه منعقد شود؛ می تواند مشکلات مربوط به ظرفیت نیروگاهها در اوج مصرف برق را مرتفع سازد مشابه این پیمان سال هاست که در آمریکا و اروپا منعقد شده در صورتی که هنوز نتوانسته ایم این پیمان

را در کشورهای آسیایی و خاورمیانه عملی کنیم. دلیل این امر چیست؟ یکی از مهمترین دلایل، عدم توسعه و پائین بودن شاخص پیشرفت و توسعه می باشد. کشورها دارای فزاینده های سیاسی هستند و حفظ پیمان های منطقه ای شاخص توسعه است به همین دلیل اروپا از نظر تهیه و تأمین انرژی با مشکلی مواجه نیست زیرا تمام کشورها بر اساس یک پیمان به هم مرتبط هستند زمانی که رفت و آمد به کشورها آسان باشد؛ میزان سرمایه گذاری افزایش می یابد. به اعتقاد من هر چه موافقت نامه های همکاری میان کشورها عمق بیشتری پیدا کند، در افزایش توسعه و سرمایه گذاری موثر است.

**در بحث سرمایه گذاری خارجی، سودآوری طرح ها و زمان بازدهی مهمتر است یا مسائل سیاسی حاکم بر آن کشور؟**

اوضاع و ثبات سیاسی بسیار مهمتر است. مدتی پیش جهت بازدید از یک کارخانه تازه تأسیس تولیدکننده MDF به کشور ترکیه رفته بودم. زمانی که هزینه گران انرژی، مالیات و خرید مواد اولیه را در این کشور به مدیران کارخانه مطرح کردم و از آنها در مورد سرمایه گذاری و صادرات پرسیدم؛ عنوان داشتند که در این کشور سرمایه گذاری بسیار آسان است و سرمایه گذار از انجام فعالیت بازرگانی و تجاری احساس امنیت و خرسندی پیدا می کند. این آسودگی از استقرار ثبات سیاسی و امنیت به وجود می آید. نباید از باز کردن مرزها هراسی به دل راه دهیم. همان طور که در ایران نا امنی کردستان در اثر توسعه اقتصادی و بازرگانی مردم به محیطی امن و قابل سرمایه گذاری تبدیل شد.

**مطلب آخر؟**

معتقدم سازمان های مستقل، حرفه ای و کارآمد بازوهای مهم برای اداره امور زندگی مردم چه لحاظ معیشت و چه از لحاظ توسعه محسوب می شوند. در قانون اساسی سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه به عنوان قوای حکومتی مدنظر قرار گرفته اند اما برای ایجاد قانون و نهادهای مدنی، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن پیش بینی شده که تشکیلاتی تقریباً مستقل است. یکی از شاخص های اندازه گیری میزان موفقیت اقتصاد یک کشور عملکرد مستقل، توانمند و اثر گذارتر بانک مرکزی است و در این صورت اطمینان و امنیت سرمایه گذاری افزایش پیدا می کند. به اعتقاد من مردم باید به درجه ای از رشد برسند که امنیت یکدیگر را تهیه کنند. شاخص رشد یافتگی این است که بتوانیم توان بالایی برای اداره داشته باشیم. توان بالا در اثر ارتقای کیفیت به دست می آید نه اعمال محدودیت.